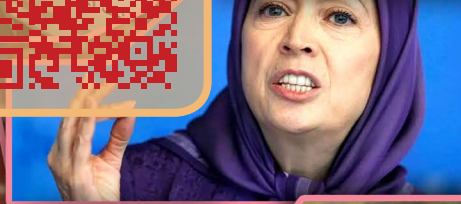


گشت ارشاد

CLICK OR SCAN



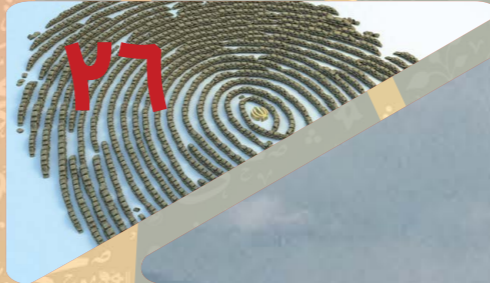
تلاش



تاوان جمهوریت



۰۶



شناسنامه:

نشریه دانشجویی
سیاسی،
مذهبی و اجتماعی
«ضحی»
اسال اول
اشماره سوم
ابهاره ۱۴۰۰



- صاحب امتیاز:
علی اسدی جلودار
- مدیر مسئول و سردبیر:
هادی پایدار
- طراحی و صفحه آرایی:
ضحی گرافیک (۰۹۲۳۹۷۰۷۴۱۰)

- دست اندرکاران این شماره:
هادی پایدار، علی اسدی جلودار، امیرحسین منصفی، امیرمحمد ستوده، امیر ابراهیمی، آیدا تقوایی، معصومه سدری زاده، ارشیا اصغری، حسین معصومی

- با تشکر ویژه از:
کارشناس نشریات دانشگاه علوم پزشکی تبریز، جناب آقای پارسایی



فهرست

۱۴

۱۶

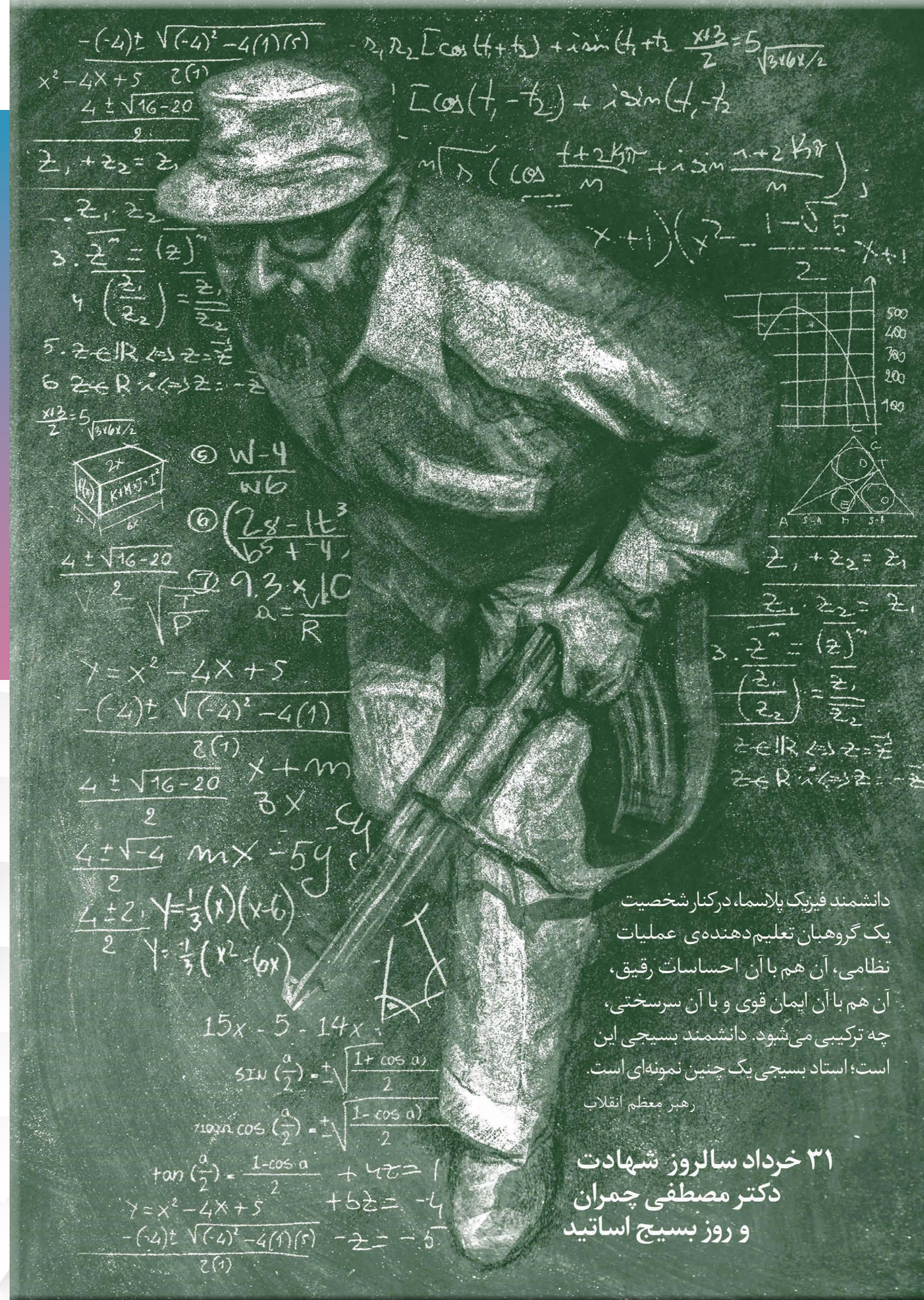
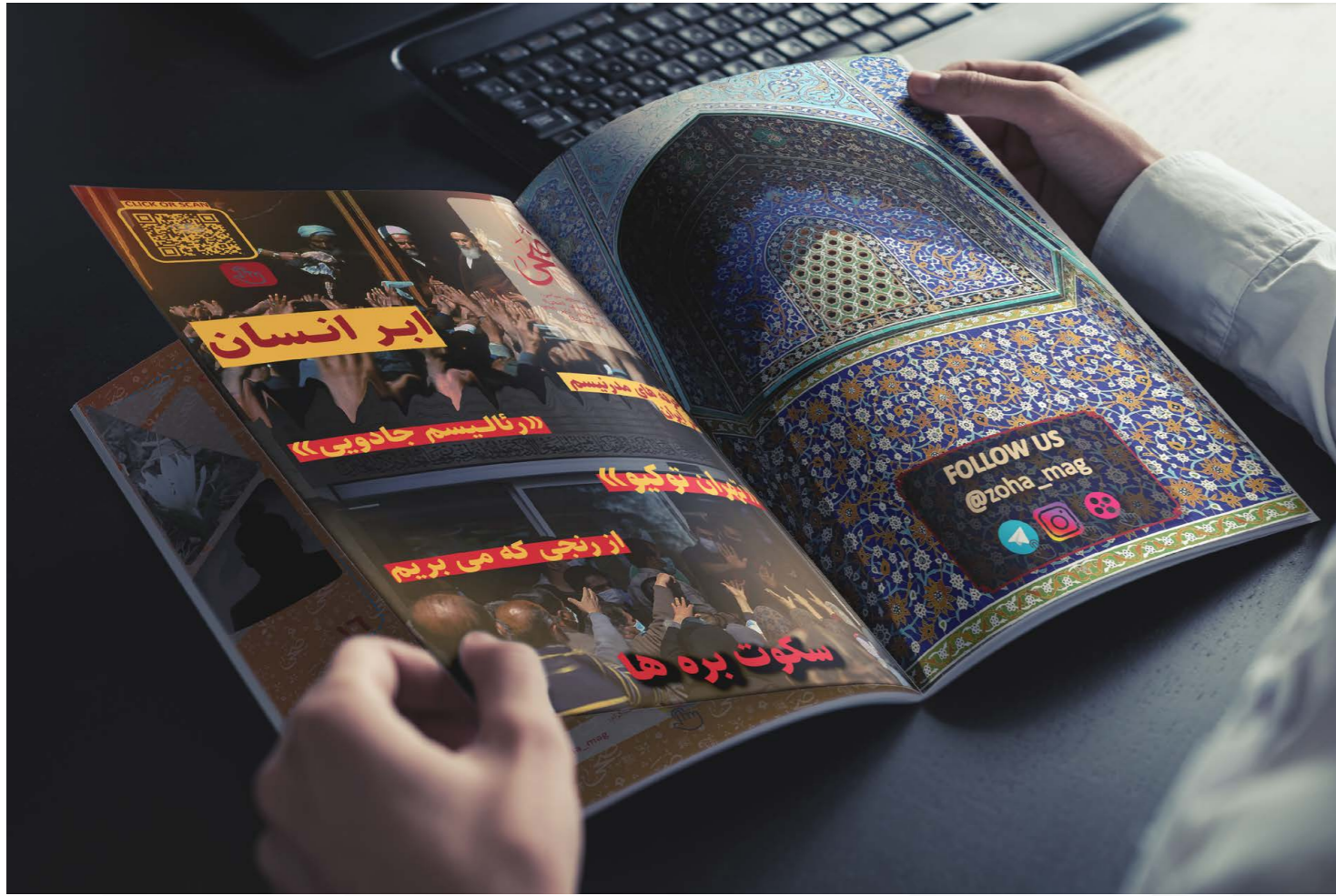
سرمقاله.....۶	جاهلیت مدرن
ادبیات معاصر ایتالیا.....۸	در لابه لای فرهنگ.....۲۰
تا کجا باید رفت	«القدس لنا»
(شعر نو).....۱۲	(اینفوگرافیک).....۲۲
آلمان؛ ژرمن ها؛ تحول.....۱۴	از رنجی که می بریم ۲
مانده جهان را چه تاب!	(شعله های منفعت طلبی).....۲۴
(شعر).....۱۶	علل و آثار مشارکت حداکثری در انتخابات
HEART FAILURE؛	از نگاه امامین انقلاب.....۲۶
گزارشی از افتضاح در امتحان	تاوان جمهوریت.....۳۰
کورس قلب.....۱۸	فراخوان همکاری.....۳۲

اینستاگرام:
zoha_mag



تلگرام:
@Hadi_paydar78 @zoha_mag





دیدگاه نوپسندگان، همان نظر نشریه است!

صرفاً با دیدن تیترو بدون خواندن مقاله، در مورد آن، قضاوت نکنیم...

تمامی نقدها، ابتدا بر خود نشریه وارد است!

برای ارائه انتقاد و پیشنهاد به آیدی زیر در تلگرام پیام دهید:

[@Hadi_paydar78](https://t.me/Hadi_paydar78)



ZOHA_magazine

نشریه دانشجویی سیاسی، مذهبی و اجتماعی

ضحی

دانشمند فیزیک پلاسما، درکنار شخصیت یک گروهان تعلیم دهنده‌ی عملیات نظامی، آن هم با آن احساسات رقیق، آن هم با آن ایمان قوی و با آن سرسختی، چه ترکیبی می‌شود. دانشمند بسیجی این است؛ استاد بسیجی یک چنین نمونه‌ای است. رهبر معظم انقلاب

۳۱ خرداد سالروز شهادت دکتر مصطفی چمران و روز بسیج اساتید

سرمقاله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَىٰ / وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ / مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ / وَلَا آخِرَهُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ / وَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ...

این چالشی برای نه دانشگاه مان، بلکه برای نوع بشر خواهد شد. این سال نو و فصل بهار، آغاز و جهشی برای رساتر نمودن صدای حق و معصوم مسلمین در گلوی بر لبه‌ی تیزی قرار گرفته دانشجویان خواهد شد.

مسلمای این وظیفه تک تک دانشجویان است که با فریاد خود، دیوار خوت و فساد را از جامعه بیرون اندازند و به این مردم و فقط برای این مردم، رنگ و روحیه تلاش و جهاد را ببخشند.

مسلمای این سخاوتمندانه ترین تحفه برای ملت ما خواهد شد و حقیقتا پاداشی دارد و آن درخشیدن خورشید سعادت و پیشرفت برای ملت ما و افتخار و سرمشقی برای همه امت است. امید که ایرانی باشد و امید که فرزندانش برای عقیده اسلامی اش مبارزه و تلاش کنند که قطعا این اوج انسانیت و وظیفه است.

ای دانشجویان، ملت موفق آن است که چیزی از گذشتگان خود نمیگیرد بلکه باعث غرور فرزندانش میشود؛ باور ما به عقاید خود ناگسستی و خواسته ما، ایرانی قوی و قدرتمند است. ما هرگز بر روی باور ها و وجدان های خود پا نمی‌نهیم. من دیده ام که رسانه و تبلیغات در این عصر چه کسانی را به عنوان الگو به ما معرفی و تحمیل میکنند... می‌دانیم کدام قشر های تحصیل کرده هستند که علاوه فداکاری ها و از خودگذشتگی ها هنوز در تاریکی ها به سر می‌برند. چگونه میتوانستیم این ظلم و خیانت به مردم را نادیده بگیریم و احساس مسئولیت نکنیم! بنابراین عزم مان را جزم کردیم و اینک با اتکا به الله در آستانه آغاز حرکتی انقلابی برای لرزندان و بیدار کردن روح های خفته و در پی زیر سوال بردن کارهایی که خداوند دلیلی برایش نفرستاده و در پی حرکتی سازنده هستیم.

دوستان من شما را به جهاد و تلاش در نشریه ضحی دعوت میکنم و شما را از سستی و کاهلی بر حذر میدارم ... اما ضحی چیست؟ ... ضحی سوره‌ای از کلام خداست که حق است... ضحی خورشید حرارت بخش اسلام و تداوم نیکی در این جهان است... ضحی مرور خاطرات تلخ گذشته اسلام و عبرت گرفتن از این تلخی هاست... ضحی تلاش برای درخشیدن در این دنیای تاریک است... ضحی صدای برنده حق است، پیمان مردان و بانوان بزرگ است، همان جسم هایی که روح هایی بزرگ را مسکن گردیده اند... ضحی پرواز به بی نهایت است؛ جبهه حق در برابر باطل است که ناشی از اراده و طراوت جوانی است؛ تجدید پیمان گذشته است؛ همان پیمانی که زیر سایه نخل اسلام، مسلمین با پیامبر بسته اند... ادامه آن حرکت ابراهیمی و انقلابی ست که خاتم انبیاء آفرید... ضحی به سان کشتی نوح است که سرنشینانش را از طوفان جاهلیت مدرن حفظ میکند... ضحی بالاترین افتخار جوان انقلابی است که صادقانه تلاش میکند... ضحی مظهر حق جویی دین گرای و وطن پرستی است... ضحی دنباله اقتدار دیرینه‌ی این مرزوبوم است؛ چرا که به تلاش فرا میخواند، به ایمان و علم و عمل به دین و وظیفه، در قبال این خاک که وجب به وجبش از خون جوانانش گلگون است و فریاد سر میزند که ای دانشجویان! ای فرزندان اسلام! به پا خیزید و تلاش کنید برای ساختن وطنی که جهان تا به حال، شبیهش را به خود ندیده ... ثبوت این حقیقت که ما قدر نعمات خدا را میدانیم که «ان الارض یرثها عبادی الصالحون» و ما آن مردم برگزیده هستیم و روزی پرچم سه رنگ الله را بر فراز قله های علم و انسانیت و اقتدار بر خواهیم افراشت...

علی اسدی جلودار | صاحب امتیاز نشریه ضحی

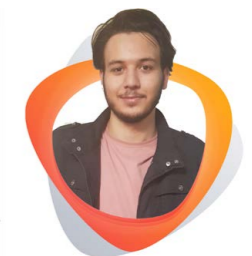




ادبیات

معاصر

ایتالیا



امیرمحمد ستوده | پزشکی ورودی ۹۷

هنر را استفاده از توانایی و تخیل در خلق آثار زیبا، محیطی یا تجاری که می توان با دیگران تقسیم شود، توصیف کرده اند. و این فرآیند آفرینش اثر خود به هفت گستره وسیع (هنر موسیقی، حرکات نمایشی، ترسیمی، تجسمی، ادبیات، نمایشی، سینما) انشعاب پیدا می کند که البته در سده اخیر با اضافه شدن هنر بازی سازی شامل طراحی و ساخت بازی های ویدیویی و رایانه ای و غیره بیش از پیش وسعت پیدا کرده است.

حال برای ارزیابی و قضاوت درباره هنر یک سرزمین باید هر هفت مولفه آن را زیر ذره بین ببریم و در صورتی که فرهنگ و هنر ملتی در چندین زمینه سرآمد بوده و در بقیه مولفه ها، توسعه چشمگیر و قابل قبولی نداشته باشد و به اصطلاح حالت کاریکاتوری داشته باشد، در دید خردمندان و اهالی فرهنگ و هنر ناقص قلمداد می شود. پس برای داشتن یک پیشینه هنری غنی و سرشار، جامعیت ترقی در تمامی حوزه ها امری انکارنشده است. هنر در سرزمین ایتالیای امروزی (زیرا تا چند قرن پیش، هنوز کشور ایتالیا شکل نگرفته بود و تنها یک اصطلاح جغرافیایی بود. در واقع در شبه جزیره دراز و باریک آبنین حدود ۲۰ دولت با تشکیلات سیاسی مختلف و حاکمیت سنتی فرهنگی وجود داشت) از امتیاز پیشرفت همه جانبه در تمامی عرصه های هنر برخوردار بوده و است و در تاریخ خود در هر زمینه دارای شخصیت های شناخته شده در اروپا و جهان است به گونه ای که کم تر کسی ممکن است، داوینچی، میکل آنژ، دانته، کارلو گولدونی و هنرمندان بی نظیر ایتالیایی در ساحت موسیقی را نشناسد و آثار آن ها را تحسین نکند، چرا که هرکدام در حیطه خود سرشناس بوده اند و آثار خارق العاده ای به جا گذاشته اند.

با شرح مختصری که در باب هنر و ادبیات ایتالیا ذکر شد سعی بر انتقال این نکته بود که ترقی ادبیات نیز به مثابه هنر و به عنوان زیر مجموعه ای از آن، نیازمند رشد گام به گام و اصولی است و لازمه داشتن ادبیات قوی و پویا که پیشتاز در کشف و ارائه مفاهیم نوین و بکر است و حرفی برای گفتن دارد، این است که در دهه ها و قرون قبلی، پی ریزی پایه های آن، مستحکم باشد. شالوده ادبیات ایتالیا از پیش از مسیح تاکنون وام دار بزرگانی چون دانته آلیگیری بوده و در کنار آن از اندیشه های توماس آکویناس، ماکیاولی و... بهره برده است.

از مقدمه چینی و ادبیات کلاسیک که بگذریم می رسیم به قرن بیستم و نقطه عطف این دوران یعنی جنگ های جهانی و سی سال مابین این دو فاجعه تاریخی که هر اندازه مایه افول و انحطاط بشریت شد، به همان اندازه و چه بسا بیش تر از همه آن خسارات و جنایاتی که از سوی عاملان آن و هرکدام از طرفین جنگ بر دیگری و بر ملل ضعیف تحمیل گردید، باعث باروری و جهش تصاعدی ادبیات شد. بخش تاریکی از تاریخ که سیاست، قدرت و علم، اسیر بن بست تعامل شده بودند و در آن دم ادبیات و هنر با شتابی سریع تر از هر جریان دیگری در پی کشف افق های جدید کمال بود.

حکایت فرانسه و ایتالیا در بین کشورهای اروپایی پیچیده تر از آن بود که بتوان به شناخت بی نقص و کاملی از نقش و تاثیر نویسندگان در وضعیت رستاخیزگونه جامعه

درگیر جنگ و بحران برسیم، چرا که تمامیت ارضی و سیاسی این دو کشور بارها تحت اشغال نیروهای متحدین و متفقین بود و دستخوش تغییرات اساسی شده بود و به تبع در چنین وضع آشفته ای، احزاب، گروه ها، ایده ها و آثار بسیار گوناگون و متفاوت پدید می آید که در اکثر مواضع کمترین وجه اشتراکی ندارند. وضعیتی که بعید است در جامعه ای که آرامش در آن حکمفرماست رخ دهد. بله و بی شک ایتالیا گرفتار چنین گرداب هولناکی و بی سابقه ای بود، گویی که کل دنیا و همه ی تئوری های سیاسی، اخلاقی، فرهنگی و ادبی اش را به زور در چکمه ای فرسوده جا داده اند.

برای درک بهتر موضوع، کلی گویی را کنار می گذارم و به تحلیل مشی سیاسی و آثار برخی نویسندگان آن دوره ایتالیا می پردازم. وقتی موسولینی به اریکه قدرت نشست و



فاشیسم نظام غالب ایتالیا شد، احزاب، جنبش های سری و گروه های پارتیزانی متعددی که بیش از هر چیزی در مخالفت علیه فاشیسم متفق القول بودند، تکوین یافتند. کسانی مثل اینیاتسیو سیلونه با تاثیر پذیری از نظریات آنتونیو گرامشی (از بنیان گذاران و تئوری پردازان و رهبران کمونیسم ایتالیایی) به کمونیسم روی آوردند و آثارش از قبیل؛ فونتامارا، نان و شراب، دانه زیر برف، مکتب دیکتاتور ها که از قضا اکثرا در سال های خفقان و بحرانی منتشر شدند، پر است از مبارزه طلبی، حمایت از کشاورزان و طبقه کارگر و روح ضد فاشیستی در سراسر آن ها دمیده شده است، هرچند خود سیلونه انتقادات تندی نیز نسبت به کمونیسم داشت. چزاره پازوه و کورتزیو مالاپارته نیز از نویسندگانی بودند که هم در جنبش های

ضدفاشیستی و گروه های پارتیزانی بودند هم اینکه با نوشتن آثار جسورانه نقش بسزایی در پیشبرد نهضت مقاومت داشتند.

زنده یاد فرهاد غبرایی، مترجم چیره دستی که در معرفی آثار ارزشمند متعدد خارجی در کشورمان نقش شایسته ای داشته، مالاپارته را این گونه توصیف می کند: «مالاپارته آنارشویستی بود دست راستی در آغاز راه سنتی نوین، مردی علیه خودکامگی و متعلق به آینده با کنشی منفی و کورکورانه، بی ریشه همچون آخرین بازمانده اشراف و گرچه تا سال ۱۹۳۱ از موسولینی جانبداری می کرد، نخستین کتاب ضدفاشیستی را هم او نوشت.» مالاپارته نویسنده ای بود که نامش وارد لیست سیاه شد و



ZOHA_magazine

نشریه دانشجویی سیاسی، مذهبی و اجتماعی

ضحی

اگرچه غالب کارهای او با محوریت واکنش های چپی علیه حکومت است اما برخی از داستان هایش از جمله: مرده فروشی، مارکولفا خدمتکار خوشبخت و... با بقیه تفاوت های زیادی دارند.



شش یادداشت برای هزاره بعدی، شهرهای ناپیدا، کمدی های کیهانی در کنار سه گانه نیاکان ما (ویکت دونیم شده، بارون درخت نشین، شوالیه ناموجود) تنها بخشی از آثار تمجید شده اوست.

تئاتر ایتالیا در نیمه دوم قرن بیستم مرهون تلاش های چهره ی مشهور دیگری به نام داریو فو است. داریو فو فارغ از تفکرات سیاسی و اجتماعی اش سهم بی نظیری در احیا کمدیا دلارته (کمدی هنرمندان) داشت، گونه ای از کمدی که از اواسط قرن شانزدهم شروع شد و موفقیتش در اروپا تا قرن هجدهم ادامه داشت ولی پس از ظهور نمایشنامه نویسانی مثل کارلو گولدونی و تحول عظیم در این دوران، کم کم به حاشیه رانده شد و تا دوران معاصر در احتضار بود.

فو علاوه بر نویسندگی و کارگردانی، با آهنگسازی، بازیگری، طراحی صحنه و لباس آشنایی کامل داشت و همین امر در تسلطش در تولید و اجرای هرچه بهتر آثار نمایشی و تلویزیونی و شهرت و محبوبیتش در نزد مخاطبین تاثیر زیادی داشت.

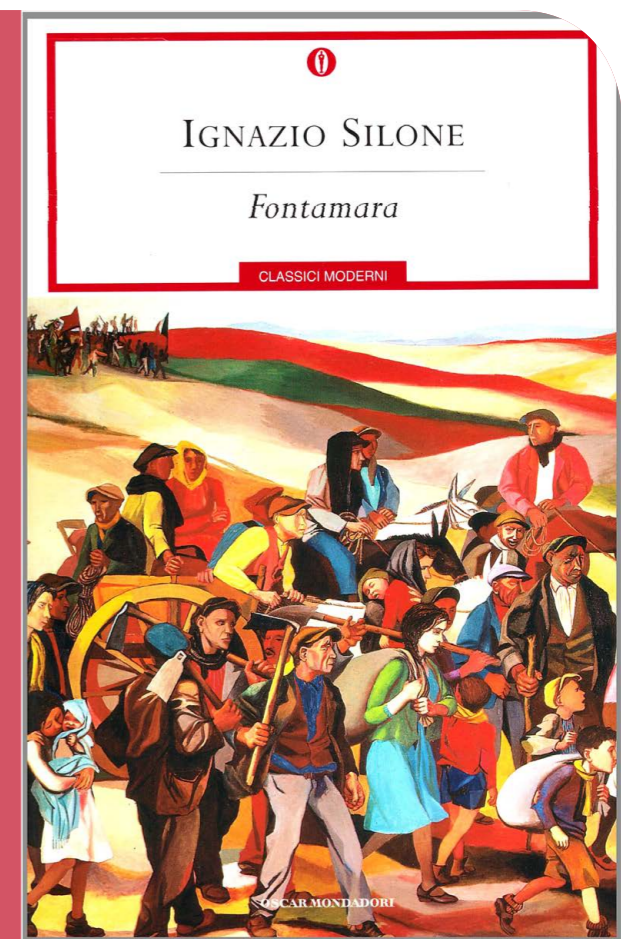
از ویژگی های آثار فو، ماهیت کمیک و طنز تلخ آن ها نسبت به مسائل سیاسی-اجتماعی و نمایش کمدی و درعین حال انتقادی نسبت به رویداد های تراژدیک دورانش بود. آثار او به دلیل مخالفت هایش از دولت غالباً با سانسور مواجه می شد.

برای شناخت فو، مطالعه آثارش آسان ترین و قابل اعتماد ترین روش است. فو در خانواده ای مخالف فاشیسم رشد کرد و با تاثیر پذیری از گرمایی رو به سوسیالیسم آورد، کما اینکه در نمایشنامه معروفش، «برای خرید نباید پول داد»، گرایشات سوسیالیستی در کنار رگه هایی از عوام گرایی به وضوح دیده می شود. همچنین داریو فو در نمایشنامه مرگ تصادفی یک آنارشیست که شناخته شده ترین کار اوست و منشا آن از جدال میان آزادی و خفقان که جوهر داستان های اوست پدید آمده است، در پوشش یک دیوانه نما ظاهر شده و جنایت های پلیس و دولت ایتالیا را فاش کرده و تصویر تمسخرآمیزی از آن ها را به نمایش در می آورد. اگر بخواهیم ساده تر به قضیه نگاه کنیم، سه چهار صفحه آخر داستان تا حد زیادی آینه تمام نمای تفکرات داریو است، جایی که مردم را در جایگاه قضاوت قرار می دهد. از نظر خود داریو فو، دلیل موفقیت این داستان چندان به دلیل به تمسخر کشیدن ریاکاری و دروغ هایی نبود که توسط سازمان های حکومتی و خدمه های آن ها، با آن وسعت و وقاحت ابراز می شد، بلکه بالاتر از همه به شیوه برخورد آن ها با دموکراسی اجتماعی و اشک های تمساحی شان مربوط می شد.



پاوزه، ناتالیا گینزیورگ و جمعی از نویسندگان و فیلم سازان برجسته از دهه ۱۹۴۰ در اشاعه این مکتب تاثیر داشتند که تا یک دهه بعد باعث شکوفایی آن، علی الخصوص در حیطه سینما با ساخت فیلم هایی مثل رم شهر بی دفاع شد، اما پس از مدت کوتاهی رو به افول گذاشت.== ایتالو کالوینو، یکی دیگر از نویسندگان مطرح پسا جنگ به شمار می رود و کارنامه ادبی اش، پر از داستان های متنوع و عجیب و غریب و با موضوعات و اسلوب های خاص است. گزینش موضوعات شگفت انگیز و نادر برای نوشتن، جزو اصلی ترین دغدغه هایش تا واپسین ثانیه های عمرش بود. هدف دائمی او به چالش کشیدن ادبیات برای توصیف وصف ناشدنی ها از سوژه های جزئی تا کلان بود. کالوینو سبک ادبی مخصوص خود را داشت که تا حدودی می توان آن را سورئال یا پست مدرن توصیف کرد، همانگونه که در رمان ویکنت دو نیم شده (جلد اول سه گانه نیاکان ما) دوشقه شدن مدارو دی ترالبا را در جنگ های صلیبی و تبدیل شدن به دو نیمه نیک و بد و جدال آن ها را با ظرافت ویژه ای شرح داده است.

نوشته های او طیف وسیعی از موضوعات را از داستان های نئورئالیستی حول محور جنگ جهانی دوم و دوران پس از جنگ، افسانه ها، داستان های تمثیلی سیاسی تاریخی گرفته تا داستان های مبتنی بر نظریات علمی و به روز و مفاهیم فانتزی و تخیلی را در برمی گیرد.



علاوه بر این، براو به لحاظ ممنوع القلم بودن سیاسی سابقه چشمگیری دارد، چون سه چاپ کتاب نخستش را پلیس ایتالیا از بین برد و کتاب ضد فاشیستی فن کودتا که در پاریس انتشار یافت در ایتالیا و آلمان ممنوع شد. او از حیث برخورد های ضد و نقیض و سرکوب شدن تاریخ مشترکی با سلین و کامیلو خوزه سلا دارد. مالاپارته رابط متفقین و پارتیزان های ایتالیایی بود.

در این اوضاع افرادی نیز بودند که علیرغم انتقادات و فشارها، حتی الامکان از هرگونه جانبداری امتناع کردند. دینو بوتزاتی، نویسنده رمان «بیابان تاتارها» از آن جمله بود، هرچند در آثار او نیز ماهیت جنگ گریزی و تقبیح آرزوهای پوچ شهرت طلبی احساس می شود.

از حوادث جنگ جهانی دوم هم بگذریم، می رسیم به نیمه دوم قرن بیستم. در سال های پس از جنگ، وقتی کشور ها شدیداً مشغول بازسازی صنعت، کشاورزی و ترمیم اقتصاد شدند، حکایت ادبیات نیز از این قرار بود. مکاتبی که برای تکامل خود و دستیابی به توانایی کنش موثر در رویارویی با حوادث ناگزیر بودند اصلاحاتی در خود پدید آورند. نئورئالیسم از شاخص ترین این دسته بود. مکتب تکامل یافته از رئالیسم کلاسیک با پایه های یکسان با آن اما با تفاوت هایی در دیدگاه نسبت به ریشه معضلات اجتماعی و بین المللی، در ایتالیا، چزاره

و اما در آخر، با سپاس از خوانندگان و دوستان عزیزم، نهایت تلاش اینجانب در این بود که همانند شماره قبلی نشریه، کمی بیشتر با سبک های ادبی و ادبیات ملل آشنا شویم، هرچند نهایت سطحی نگری و ساده لوحی است که بخواهیم در قالب چند پاراگراف و با شتاب به بحث در پیرامون ادبیات یک سرزمین، حتی شده در یک بازه تاریخی محدود بپردازیم، با این حال امیدوارم از کوتاهی ها و نقایص محتوای ارائه شده چشم بپوشید و مورد رضایتتان باشد.

به عنوان سخن پایانی در وصف ادبیات ایتالیا، قصد کلی از نوشته بر این بود که در کنار صنعت مد، معماری، جاذبه های توریستی و حتی فوتبال که معرف ایتالیا هستند و تا اندازه ای اکثریت با آن ها آشنا هستند، به جریان بی وقفه ادبیات و فراز و نشیب آن در طول حوادث و طبع پرحرارت و سرشار از طنز ادبیات ایتالیایی که تا مغز استخوان مردم این سرزمین نفوذ کرده پرداخته شود.



ZOHA_magazine

نشریه دانشجویی سیاسی، مذهبی و اجتماعی

ضحی



ZOHA_magazine

نشریه دانشجویی سیاسی، مذهبی و اجتماعی

ضحی

ابر بالا و زمین خیس، پر از برگ فراق
ظلمتی سخت تر از تخته ی سنگ
و سکوتی که مرا
میکشاند پی یک راه دراز
راه دلدادگی و حسرت و آه
تا کجا باید رفت
تا کجا باید شست
دست از راحت و آسایش خود
دل نگه دار که چون رفتن برگ ز روی تن خاک
آسمان نیز بروبد رخ دلتنگ خزان
و بهاری برسد خسته ز راه
که طلوعش کند آب، یخ این دلتنگی
آخر اما شده غرق
کل این خاطره در رود زمان...



آلمان؛ ژرمن ها؛ تحول



امیر ابراهیمی | پزشکی ورودی ۹۷

در این مقاله سعی داریم تاریخ مدرنیزاسیون آلمان رو بیان کنیم و در آخر رمانتیسیسم را تشریح کنیم... در امپراتوری روم مقدس، بعد از جنگ های صلیبی، مناطقی تحت عنوان فیف در اختیار شوالیه ها قرار می گیرد ولی همیشه در طول تاریخ بین بومی های آن محل و این مهاجران جنگ هایی رخ میداد. دقیقا یکی از این جنگ ها بین محفل توتنیک (تشکل شوالیه ها) و قومیت پروس (قوم سنتی آن منطقه) وجود داشت. در حقیقت قوم پروس همان ریشه آلمان فعلی می باشد که دارای ریشه ژرمن هستند و به عقیده بنده، روحیه ناسیونالیسم آن ها بر کسی پوشیده نبوده و نیست.

در نتیجه این جنگ ها پروس ها (ژرمن ها) بر این تشکل شوالیه ها غالب گشتند و در قرن ۱۵ امپراتوری خود را توسط خاندان هونزولرن تشکیل دادند که این امپراتوری آن ها در کنار امپراتوری روم مقدس شکل گرفت و در این بین، پروس ها هر منطقه ای را که دارای مردم ژرمن بود، با تکیه بر روحیه ناسیونالیسم خود تسخیر کرده و بر امپراتوری خود می افزودند و پایتختشان همان برلین بود اما این امپراتوری بر خلاف روند مدرنیزاسیون انگلستان و فرانسه هنوز دیکتاتوری بود. اما داستان اصلی از شخصی به اسم اتو فون بیسمارک شروع میشود؛ کسی که به عنوان مؤسس آلمان شناخته می شود.

بیسمارک برای اولین بار توانست پروس را با ایالت های دیگر ژرمن مثل باواریا (به پایتختی مونیخ) متحد کند و در مقابل جنگ با ناپلئون اول پیروز شد و خودش نخست وزیر شد.

بیسمارک در دوران سیاست خود سه کار را به نحو احسن انجام داد: اولی مبارزه با کاتولیک؛ دومی رشد اقتصادی و سومی صلح با کشور های دیگر بود؛ به طوریکه وقتی ناپلئون سوم به امید اختلاف بین اتریش و آلمان در سودای حمله به آلمان بود، بیسمارک با دیپلماسی با



امپراتوری اتریش صلح کرده و حتی بر علیه فرانسه متحد شدند و در جنگ های معروف به جنگ های دوم پروس-فرانس (۱۸۷۰) پیروز شدند و این اتحاد با درایت بیسمارک به دولت فدرال آلمان (۱۸۷۱) یا همان رایش اول تبدیل شد و شاه کلید این اتحاد و رشد اقتصادی شدید آلمان، تکیه بیسمارک بر ناسیونالیسم ژرمنی و ایجاد اتحاد بود. اما به مانند سایر حکومت های امپراتوری با مرگ پادشاه ویلهلم (مؤسس آلمان) پادشاه جدید افکار سوسیال بیسمارک را نپسندید و به دنبال استعمارگری بود و در این زمینه با فرانسه و بریتانیا رقابت کرد که در نهایت نتیجه این فرآیند آن می شود که به بهانه مرگ شاهزاده امپراتوری اتریش-مجارستان جنگ جهانی اول شروع می شود و نتیجه، انقراض امپراتوری پروس یا رایش اول یا همان خاندان

هونزولرن می شود.

بعد از این خاندان روشن فکران جمهوری خواه در شهری به نام وایمار جمع شده و تشکیل حکومتی را اعلان می کنند که بر خلاف قبلی، این حکومت جمهوری بود و معروف شد به جمهوری وایمار که به این حکومت رایش دوم گفته می شود.

در دوران جمهوری وایمار ناسیونالیسم ژرمنی کلا به حاشیه رفته و با تکیه بر مکتب عقل گرایی (تکیه تمام و کمال بر عقل و به انزوا گذاشته شدن دین و سنت های قبلی) آلمان از لحاظ صنعت و دانش و اقتصاد رشد بسیار مثال زدنی را تجربه می کند؛ به طوریکه از این دوره تحت عنوان دوران طلایی آلمان (۱۹۲۴-۱۹۲۹) نامیده می شود اما با شروع رکود در آمریکا اقتصاد آلمان عملا سر به رکود می گذارد و تمام بانک ها و صنایع ورشکسته می شوند و مردم در صف های طولانی غذای دولتی می ایستند و کمبود مواد غذایی بیداد میکند؛ بطوریکه باعث ایجاد قحطی در آلمان می شود که این عامل باعث ایجاد تفکری در آلمان به نام رمانتیسیسم می شود.

رمانتیسیسم یا محافظه کاری مکتبی است در مقابل عقل گرایی و معتقد بر این هست که عقل انسان کور و ناقص هست و نباید کاملاً بر آن تکیه کرد (عقل گرایی) و معتقد بر این است که انسان ذاتاً موجودی ضعیف النفس

است؛ یکی از اندیشمندان این حوزه جوزف دومیستر بود که معتقد به بازگشت به اصل یعنی توسل به اخلاق و نهاد های دینی و طبیعت بود. بنابراین پروژه بازگشت به خود (منظور ریشه ها و اعتقادات) را ترویج می دهند البته ذاتاً این تفکر از هنر و ادبیات منشا میگیرد اما بعد ها تفکر سیاسی شد.

فلذا تشکیل تمام عقاید نازیستی در آلمان در قرن بیستم، همه آن ها از رمانتیسیسم منشا میگیرد و

با غالب شدن این تفکر عملاً رایش دوم از بین می رود و حکومت نازیستی (رایش سوم) به کار می آید که همان زایش هیتلر است، نتیجتاً این حکومت سوسیال ناسیونال هم در جنگ جهانی دوم شکست می خورد و فرو می پاشد و بعد از جنگ جهانی دوم حکومت نوین آلمان (ساختار فعلی) تشکیل می شود که اقتصاد آلمان را به ثبات می رساند.

با بررسی تاریخ مدرنیزاسیون آلمان متوجه می شویم که این مدرنیزاسیون حدود ۴۰۰ سال زمان برده و مهم تر از آن، جمهوری شرط مدرنیزاسیون نیست کما اینکه جمهوری وایمار با آن قدرت اقتصادی بدلیل تکیه بر تفکر غلط (عقل گرایی) با یک تکانه فرو می پاشد، پس به عقیده من راز مدرنیزاسیون یک ملت، تغییر باور های مردم با تکیه بر زمینه سنتی (دین و اخلاق و طبیعت) می باشد. لازم به ذکر است برخی از اندیشمندان، روند مدرنیزاسیون ایران را به نوعی مسیر آلمانی مدرنیزاسیون می دانند چرا که به مانند آلمان در ایران هم روحیه به اصطلاح ناسیونالیستی وجود دارد و مهم تر از همه الان در ایران حکومت فعلی یک حکومت مبتنی بر سنت ایران (دین و اخلاق) می باشد اما بر خلاف آلمان در ایران، رمانتیسیسم منجر به تشکیل حکومت دینی توأم با جمهوری شده در حالی که در آلمان زمینه تشکیل حکومت نازیستی هیتلر گردید.



ZOHA_magazine

نشریه دانشجویی سیاسی، مذهبی و اجتماعی

ضحی



ZOHA_magazine

نشریه دانشجویی سیاسی، مذهبی و اجتماعی

ضحی

روز و شبی سر کنیم، راز غم از بر کنیم
در شرر و شور حزن عمر رود با شتاب

تا نفسی در دم است، درد جهان دردم است
چشم پی‌ات هر دم است، تا بدمد آفتاب

رنج جهان کم خوریم، با که و مه غم خوریم
با همگان دم خوریم، با همه اهل شراب

ماهی عجب خفته‌ای، عقل همی سفته‌ای
مهر ز دل رفته‌ای، تا چه زمان در عذاب؟

مانده جهان را چه تاب؟!

سر شده تا زیر آب، حال همی بس خراب
هیچ نگشته دلم، از کرمت کامیاب

خسته ام از هر کسی، از کس و هر ناکسی
مردم از بی کسی، چیست مرا حس ناب؟

کلبه‌ی ویران شده، بی سر و سامان شده
سفره که بی نان شده مانده جهان را چه تاب؟



ZOHA_magazine

مجله دانشجویی زنان

مذهبی و اجتماعی

ضد



HEART FAILURE

گزارشی از افتتاح در امتحان کورس قلب



هادی پایدارا پزشکی ورودی ۹۷

میتوانستند وارد سامانه شوند و آزمون را مشاهده کنند... اما از طرف آموزش دانشکده گفته شد چنانچه به هر طریقی وارد سامانه شوید نمره شما صفر در نظر گرفته میشود! توجه کنید! این افتتاح مدیریتی از طرف مسئولین دانشکده بوده و چنانچه دانشجویی به حسب وظیفه خود در ساعت مقرر به پاسخگویی سوالات بپردازد، مقصود تلقی می شود!...

حال تصور کنید یکی از دانشجویان وارد سامانه شده و از یکی از سوال ها اسکرین بگیرد و به گروه کلاسی فرورود کند، به نظر میرسد مجازات چنین عمل قبیحی در مخیله مان نگنجد!...

حال میبرسید خب اشکال کار چیست؟ ممکن است سیستم دچار مشکل شده باشد و کاری هم از دست دست اندر کاران امور برنیاید...

اشکال کار، سه روز به سخره گرفتن شخصیت ۱۸۰ نفر دانشجوی پزشکی است...!

اشکال کار، بازی با روان و ذهن انسانهایی است که ۷۲ ساعت، هیچ شمرده شدند و انگار اصلا وجود نداشتند...

اشکال کار، بروکراسی چندش آوری است که چنان غول بی سر و دمی تمام لیاقت و عزت دانشجو را در خود می بلعد...

اشکال کار، سیستم با پشتیبانی هایی ناشنوا و لال است که هر روز صدها اعتراض از دانشجویان از گوش میگیرند و به گوش دیگر حواله می دهند...

اشکال کار، عذرخواهی های بدتر از گناه است که انسان آرزو میکند ای کاش هیچگاه چنین «بیخشد» هایی نشنود...

اشکال کار از لایو های به اصطلاح مطالبه گری است که نقش توجیه افتتاح های عملکردی را برعهده دارد!

و در نهایت اشکال کار، مدفون شدن گوهر نایاب آزادی در زیر تلی از ارتجاع و بی تدبیری است...

این یک مقاله علمی پژوهشی یا خلاصه یک تحقیق در مورد بیماری های قلبی نیست؛ این یک گزارش است، گزارشی از ناکارآمدی، بی عدالتی، تبعیض و تزییع حقوق راستین دانشجوی...

ماجرا از آنجا شروع شد که امتحان کورس قلب دانشجویان پزشکی ورودی مهر ۹۷ در روز سه شنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۰ به دلیل اختلال در سامانه لغو شد و به یک ساعت بعد موکول شد. البته این اتفاق از جمله امور روزمره دانشگاه محسوب میشود و در کشوری که تاخیر در ساعت پرواز ها یا حرکت اتوبوس و قطار امری بدیهی جلوه می نماید، چنین پدیده هایی را باید بدون هیچ اعتراضی هضم کرد...

یک ساعت بعد هم امتحان برگزار نشد و به ساعات بعدی موکول شد... ساعاتی بعد هم برگزار نشد و آزمون از سامانه حذف شد و دوباره برای چهارشنبه تعریف شد. خارج از شان این گزارش است که متذکر شویم فردای آن روز هم، آزمون ۴ بار لغو و دوباره در ساعات بعدی تعریف شد!...

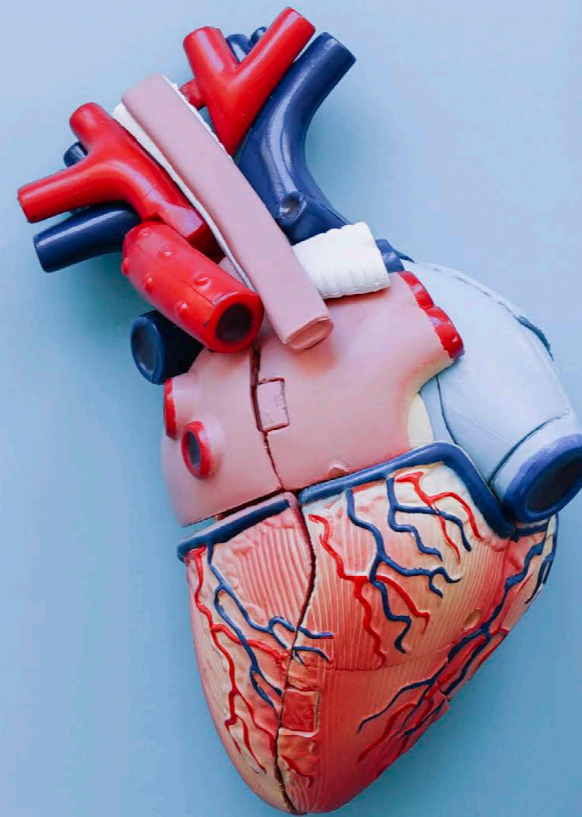
پنجشنبه شد و این بار، آزمون کورس قلب، قرار بود صبح ساعت ۷ برگزار شود... حال آنکه ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه ۱۳ خرداد، آزمون مرحله اول کشوری المپیاد دانشگاه های علوم پزشکی برگزار میشد...

دانشجویان المپادی از هر دو جا آواره، به جای تمرکز بر روی آموخته هایشان، سعی در جبران بی کفایتی مدیران آموزشی دانشگاه شان داشتند تا این افتتاح بیش از این ادامه پیدا نکند و منزلت دانشجو فراتر از این فرو نریزد اما فرو ریخت...!

۳ بار زمان آزمون بین ۷ و ۹ صبح پنجشنبه جابجا شد و سرانجام طی یک توهین آشکار، در هیچ یک از این دو وقت برگزار نگردید...

مسافت طولانی است بین حس کردن یک پدیده مصیبت بار با نوشتن آن... باید در آن لحظه باشی و با تمام وجود، سرگردانی بین حق و خواسته خودت و ستم از طرف دیوان سوالاری گردن کلفت حاکم را درک کنی...!

جالب تر آنکه بعضی از دانشجویان برحسب اتفاق!



زندگی، صحنه مبارزه است و صحنه سختی ها و قاب مجاهدت ها؛ به اندیشه های اسلامی و جاهلی سرشته شده، حتی زمانی که پیامبر (ص) نبودند و ابراهیم خلیل الله از بابل به سوی کنعان حرکت کردند... زمانی که نوح مردمش را انداز داد... زمانی که آدم و حوا خلق گردیدند... انسان هرگز به ضرر خود گام بر نمی دارد؛ حتی آن آدم بی ایمانی هم که خود را میکشد، گمان میکند با کشتن خود از رنج هایی (حال واقعی یا خود ساخته) خلاص میشود... تنها یک دلیل برای اشتباهات و گناهان انسان وجود دارد و آن، «جهل» است. پشیمانی بعد از اشتباه همان قدر بی فایده است که برگرداندن سنگی بر چاه افتاده؛ بنابراین بهتر است جهل را بشناسیم تا به چاهش نیفتیم.

جهل و جاهلیت ابعاد گوناگون دارند و خطرناک ترینش جاهلیت مدرن است؛ در این جاهلیت ارکان های مختلفی تاثیر دارند که مهمترینشان فرهنگ و تبلیغات هستند؛ حتی علم (شکل ناقصش) نیز گاهی باعث این جاهلیت می شود.

جاهلیت مدرن، همان جاهلیتی است که مردم ما بدان گرفتارند؛ این مردم به قدری در تاریکی به سر میبرند که هنوز هم باور دارند نمیتوانند کاری کنند. شاید به خاطر سال ها رنجی باشد که از استعمارگران و عجانب چشیده اند...

انسان امروزی به جایی مرتفع در علم رسیده؛ نظریه های علمی گوناگون بیان و اثبات گردیده و این نظریه ها بر آن اند که چگونه و چرایی هستی را شرح دهند. فرزند آدم فکر میکند که دیگر زیاد می داند؛ در عصر جدیدی قرار گرفته؛ عصری که هیچ سوالی را بی جواب نخواهد گذاشت. او وقتی به اطرافش می نگرد، به دنبال چیستی هستی میگردد... می پندارد همه ی این ها خود به خودیست؛ انسان را محور تمام وکمال هستی می شمرد؛ هر وجود دیگری را انکار میکند؛ او می پندارد که انسان یک لحظه است. الان هست و چند لحظه دیگر وجود ندارد؛ پس به فکر فرو میرود... حال

که چنین است، بیایید این چند روز را زندگی کنیم... هدف زندگی همین زندگی کردن است! و این یعنی جامعه برای همیشه در کما خواهد ماند...

در مسئله فرهنگ، جوامعی همانند جامعه ی ما که صاحب فرهنگ و سنت دیرینه هستند، هرگز دین نتوانسته تمام و کمال در بطن جامعه جای گیرد و تماما اجرا شود، چرا که فرهنگ همیشه مانع آن بوده؛ گویا مردم سخنان پدرانشان را بر سخن الله عزوجل ارجح میدانند. گویا بیشتر از خداوند بر فطرت بشر آگاهی دارند... در حالیکه میدانند چه آسیب بزرگی بر پیکره جامعه وارد میکنند.

آمیختن دین اسلام به فرهنگ های جاهلی اشتباهی مهلک است. شاید هم در حال حاضر خطرناک ترین اشتباهی است که در جوامع اسلامی جریان دارد. علاوه بر درون جامعه، دشمنان خارجی نیز در پی تزریق فرهنگ های جاهلی به ملت و امت هستند و رسانه نیز نقش خود را به نحو احسن در این راستا انجام میدهد.

بیخود نیست که تبرج در جامعه ی امروز ما به یک ماهیت روتین مبدل گشته؛ به طوری که در جامعه جریان دارد و حتی کسی به فکر مبارزه با آن نیست.

بحث فرهنگ، حقیقتاً بحثی بسیار غامض است و تغییر آن روندی پایا و مزمّن دارد. فرهنگ یک جامعه به قدری مهم است که اسباب جنگ با آن جامعه را میتوان با بررسی فرهنگش دریافت یا حداقل جنگ های نظامی و اقتصادی، بدون پیش زمینه جنگ فرهنگی آغاز نمیگردد. گزاف نیست بگویم که، اگر جامعه ما در جنگ فرهنگی مغلوب ابرقدرت ها نمیشدند، هرگز جنگ اقتصادی علیه ملت شروع نمیشد یا حداقل اینقدر طول میکشید...

سخن من نفی مطلق فرهنگ نیست؛ بلکه پرهیز از بعضی فرهنگ هاست که با روح اسلام (که همان سلامتی جسم و روح فرد و جامعه است) در تضاد هستند.

در پایان با تمثیل و تشبیهی شاید آموزنده، سخن به پایان میرسانم: اسلام همچون نور است؛ اگر به زندگی ما برخورد نکند، متوجهش نخواهیم شد. ارزشی ندارد که از کنار ما بگذرد...

اسلام همچون آب پاک است؛ اگر آلوده شود دیگر اسلام نیست... دیگر قابل شرب نیست...
والسلام علی من اتبع الهدی

جاهلیت مدرن در لابه لای فرهنگ



علی اسدی جلودار پزشکی ورودی ۹۷



ZOHA_magazine

نشریه دانشجویی سیاسی،
مذهبی و اجتماعی

ضحی

اریک فروم، روانکاو و جامعه‌شناس بلندآوازه آمریکایی-آلمانی یهودی‌تبار: «اگر تمام ملل جهان مدعی سرزمین‌هایی که هزاران سال پیش نیاکان‌شان در آن می‌زیستند باشند، جهان به دارالمجانین مبدل خواهد شد.»

طراح: معصومه سدری زاده
دانشجوی اتاق عمل ۹۸ بم



القدس لنا



هوالحق

در این ایام داغ انتخاباتی، حرارت گاهها به جایی رسید که حتی اعتقادات را هم سوزاند...

در درجه اول، اعتقادات عده ای که آنچنان تعهدی به اخلاقیات ندارند و گویا همگی تصمیم گرفته اند هشت سال گذشته را فراموش کنند و روکشی از جنس وقاحت برای آن درست کرده اند، البته تا بوده همین بوده و عالم گویا برای اصلاح این افراد آفریده شده که مدعیان دروغین اصلاحند و بیست و چند سالی از شروع این طنز تلخ می گذرد و چه کردند با وطن و هم وطن؛ نهایت اصلاحشان، تیغ کشیدن صورتشان بود و البته تنها بر صورتشان تیغ نکشیدند، بلکه ورید پاک مردم را تیغاندند و البته مردمی که احساس می کردند، وطن فروشی افسانه است، خواه از روی خیانت باشد، خواه از روی بلاهت.

در درجه دوم، اعتقادات ارزشی آن هایی سوخت که زیر پا گذاشتن اخلاق را فقط برای دیگران بد می دانند و اگر خودشان چنین کنند، به خودشان لقب تانک می دهند و حرف های بی ارزشی از این قبیل در محیط رها می کنند... خود بی بصیرتشان که به کنار، جبهه شرافت و جوانمردانگی را زیر سوال می برند... حتی به قدری تصور والایی از خود دارند که کسی را که از جد پدری آن ها هم شریف تر است و انقلابیست، می زنند و می کوبند و به اسارت نرم می برندش و خرسندند از این قضیه و افتخار میکنند به علی فروشی و توجیهش می کنند؛ گرچه وجدان اغلبشان آگاه است به جفایشان ولی بی سر و صدا آن را به دست فراموشی می سپارند و در آینده متعجبند که چرا برکتی نمی بینند...

در درجه آخر، خودمان و اعتقاداتمان با هم سوختیم، وقتی روند سریع مادی شدن معنویات را دیدیم و مشاهده کردیم بسیاری از جبهه های مدعی حق، متزلزل اند و هر جا که می گردیم دالان تنگ و تاریک است و شعله منفعت طلبی ها روشن.

تقدیم به درگاه حق، از کوچکترین و گناهکارترین طالب حق...

ذره نجی که می بریم ۲؛ شعله های منفعت طلبی



علل و آثار مشارکت حداکثری در انتخابات از نگاه امامین انقلاب



حسین معصومی
پزشکی ورودی ۹۷

انتخابات است. در منظومه فکری امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، انتخابات ابعاد گسترده ای دارد؛ اما در این نوشتار، دو محور «بایستگی مشارکت مردم در انتخابات» و «علل و آثار مشارکت حداکثری مردم در انتخابات» تبیین می شود.

الف) بایستگی مشارکت مردم در انتخابات

در اندیشه سیاسی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، حضور حداکثری و فعال مردم در عرصه انتخابات یک اصل است و اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا مشارکت در تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی، حق همه آحاد جامعه و اصلی عقلانی و شرعی است. لزوم احساس مسؤولیت انسان نسبت به سرنوشت فردی و جمعی خویش، از ارزشهای پذیرفته اسلام است؛ به گونه ای که این مطلب در آیات، روایات و سیره مسلمانان مورد تأکید قرار گرفته است. بر همین اساس، مشارکت افراد در اداره امور اجتماعی و تعیین کارگزاران، از حقوق اولیه هر مسلمانی به حساب می آید. طبیعی است که هر انسانی حق دارد از حق خود استفاده نماید و در سرنوشت جامعه دینی، حفظ نظام و تعیین سرنوشت جامعه وظیفه الهی است؛ از این رو حضرت امام خمینی (ره) همواره در پیام ها و سخنرانی های خویش، بر اهمیت انتخابات و ضرورت

مشارکت حداکثری مردم در انتخابات تأکید داشتند: «این وظیفه ای است الهی، وظیفه ای است ملی، وظیفه ای است انسانی... همه ما باید در انتخابات شرکت بکنیم.»

ب) علل و آثار بایستگی حضور حداکثری در انتخابات

یکی از پرسش های مهم، چرایی شرکت حداکثری مردم در انتخابات است؛ یعنی فلسفه و دلیل حضور حداکثر در انتخابات چیست که حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بدان تأکید نموده اند؟ امام خمینی (ره)، لزوم حداکثری را تکلیف عقلی و شرعی دانسته و آن را موجب حفظ جمهوریت نظام می داند. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز، ضمن تکلیف خواندن لزوم حداکثری، عزت مندی، وفاق ملی، اقتدار ملی، استقلال، تحکیم نظام، آبروی اسلام، آبروی ملت و تقویت نظام جمهوری اسلامی را به عنوان عوامل و آثار لزوم حضور حداکثری یاد کرده است. فرازهایی از سخنان رهبر انقلاب که بیانگر دلایل لزوم و چرایی حضور حداکثری مردم و مشارکت سیاسی همگانی است، به شرح زیر است: درست در نقطه مقابل خواست دشمنان، همه ی ما باید در انتخابات حضور فعالی داشته باشیم. انتخابات، آبروی ملی ماست. انتخابات، یکی از شاخصه های رشد ملی ماست. انتخابات، وسیله ای برای عزت ملی است... حضور شماسست که نظام را تحکیم می کند، پایه های آن را مستحکم می نماید، آبروی ملت ایران را زیاد می کند، استقامت کشور را در مقابل دشمنی ها زیاد می کند و دشمن را از طمع ورزیدن به کشور و از فکر ضربه زدن و توسعه (ی برنامه اش) و فساد و فتنه منصرف می کند. این

یک مسئله ی بسیار مهم است؛ پس مسئله اول، شرکت در انتخابات است.

حضور مردم، یکی از آن عناصری است که دشمن را ناکام می کند... همه باید در انتخابات شرکت کنند. این موجب می شود که نظام جمهوری اسلامی تقویت بشود.

۱) حفظ حق و انجام تکلیف الهی

در خصوص تکلیف و حق بودن حضور حداکثری در مشارکت های سیاسی و انتخابات، دو رویکرد وجود دارد. برخی آن را حق می دانند؛ یعنی حق همه شهروندان است که برای تعیین سرنوشت خود، در حکومت نقش داشته باشند؛ چنانچه حضرت علی (ع) در بیان حقوق متقابل مردم و حکومت می فرماید: «... فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بِوَلَايَةِ أَمْرِكُمْ وَ لَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ؛ خداوند برای من بر شما حقی قرار داد که زمامداری شما را برعهده ام نهاد و شما را نیز بر من حق است، همانگونه که مرا بر شما... البته این حق به معنای بی تفاوتی یا عدم شرکت در مسائل سیاسی نیست. بر همین اساس است که در اسلام برخی از وظایف مردم، مانند اطاعت از رهبر مطرح شده است.

رویکرد دوم این است که حضور مردم در عرصه سیاسی، تکلیف الهی است؛ یعنی در جامعه دینی، همه ی انسان ها باید در تعیین سرنوشت خویش اثرگذار باشند؛ بنابراین هر یک از شهروندان، باید این حضور همگانی را تکلیف الهی بدانند.

مشارکت سیاسی و حضور حداکثری در انتخابات، در اندیشه ی حضرت امام (ره)، هم حق و هم تکلیف است؛ بدین بیان که از یک سو، حق اولیه ی هر فرد است از



برای امنیت مردم

مردم عزیز ما باید بدانند که حضور آنها در عرصه های مختلف، تعیین کننده است. تعیین کننده چه؟ تعیین کننده امنیت ملی. مهم ترین مظهر این حضور، انتخابات است. اگر مردم در صحنه حضور داشته باشند، کشور در امنیت باقی خواهد ماند. ۱۳۹۶/۰۹/۰۱



ZOHA_magazine

نشریه دانشجویی سیاسی،

مذهبی و اجتماعی

ضحی



ZOHA_magazine

نشریه دانشجویی سیاسی،

مذهبی و اجتماعی

ضحی

انتخابات شرکت کنیم و هم وظیفه. کسانی که به نظام جمهوری اسلامی معتقدند، قانون اساسی را قبول دارند، هم از این حق می خواهند استفاده کنند، هم این وظیفه را می خواهند انجام دهند. اولاً روز انتخابات روز یک جشن ملی است، ثانیاً روز احقاق حق مدنی ملت است که می خواهند بیایند رأی بدهند و شرکت خودشان در اداره ی امور کشور را - که حق آنهاست - به دست بیاورند؛ ثالثاً یک تکلیف شرعی است.

۲) حفظ جمهوریت نظام اسلامی

امام خمینی (ره) با طرح اندیشه‌ی حکومت اسلامی و نظریه سازی ولایت فقیه، نظام اسلامی را تشکیل دادند که در آن همه ی مردم، توانایی مشارکت در تقسیم و توزیع قدرت سیاسی را دارند. انقلاب اسلامی ایران که با رهبری خردمندان و تدبیر امام (ره) با حضور پرشور مردم به پیروزی رسید، مردم ایران را در آستانه ی تشکیل نظامی قرار داد که ضرورت آن احساس می شد.

بر این اساس حضرت امام (ره) در شکل گیری و استمرار نظام اسلامی، بر دو مؤلفه ی «اسلامیت» و «جمهوریت نظام» سخت پافشاری نمود؛ چنانچه فرمود: «ما خواستار جمهوری اسلامی هستیم. جمهوری، فرم و شکل حکومت را تشکیل می دهد و اسلامی، یعنی محتوای آن فرم قوانین الهی است.» جمهوریت، یعنی شرکت همه ی مردم در انتخابات؛ چنانچه امام (ره) در پاسخ به خبرنگار مجله‌ی عربزبان «المستقبل» که سؤال کرده بود، آیا منظور از حکومت اسلامی مد نظر

امام خلافت اسلامی است، فرمودند: «حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما، از رویه‌ی پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد گردید.» همچنین امام (ره) در پاسخ به سؤال خبرنگاری که می پرسد شکل این جمهوری چگونه خواهد بود، می فرماید: «مهم ضوابطی است که در این حکومت باید حاکم باشد. مهمترین آنها عبارت است از اینکه اولاً متکی به آرای ملت باشد... و دیگر اینکه در مورد این افراد نیز خط مشی سیاسی و اقتصادی و سایر شئون

اجتماعی و کلیه ی قواعد و موازین اسلامی مراعات شود.» در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز، بر دو عنصر جمهوریت و اسلامیت نظام تأکید شده است: «در این کشور و در این نظام، اسلام با جمهوریت همراه است. جمهوریت ما از اسلام گرفته شده و اسلام ما اجازه نمی دهد در این کشور مردم سالاری نباشد. ما نخواستیم جمهوریت را از کسی یاد بگیریم؛ اسلام این را به ما تعلیم داد و املا کرد. این ملت، متمسک به اسلام و معتقد به جمهوریت است.»

۳) حفظ استقلال و آزادی

یکی از بزرگ ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، استقلال در عرصه‌ی سیاسی و اقتصادی است؛ یعنی زمانی که جهان به دو بلوک شرق و غرب تقسیم شده بود و شاه نیز به‌عنوان یکی از مهره‌های اصلی آمریکا در خاورمیانه، سیاست‌های تجاوزگرانه‌ی غرب، به‌ویژه آمریکا را پیاده می کرد، بقیه ی کشورهای مسلمان و جهان سوم نیز چاره ای نمی دیدند، جز اینکه تحت سیطره‌ی یکی از دو قطب حاکم آن زمان قرار بگیرند. انقلاب اسلامی در چنین شرایط حساسی، با شعار نه شرقی و نه غربی، نظام سلطه در جهان را در هم شکست و در مقابل دشمنان، چون کوه استوار ایستاد و استقلال خود را حفظ کرد. حضرت امام (ره)، علت بدبختی ملت ایران را دخالت قدرت‌های بزرگ می دانست: «ما اجازه نخواهیم داد که دولت‌های ابرقدرت در مقدرات مملکت ما دخالت کنند. گذشت آن زمان که این‌ها بدون چون و چرا در این امور دخالت می کردند.» رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) نیز فرموده اند: «انقلاب اسلامی با ایستادگی در مقابل نظام سلطه، توانست به ملت ایران هویت و آرمان بدهد.»

بر این اساس مردمی که برای کسب استقلال و آزادی جنگیده و با دادن هزاران شهید توانسته‌اند حق حاکمیت خویش را در کشور برقرار کنند، هرگز زیر بار ذلت نخواهند رفت؛ چنانچه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) فرمود:

«ملت ما یک ملت باعزت است؛ به استقلال، عزت و کرامت خود اهمیت می دهد و تحقیر و اهانت را از کسی قبول و تحمل نمی کند. حضرت امام (ره) فرمود: «مثل زمان رژیم سابق نیست. در رژیم سابق شما نمی توانستید و قدرت نداشتید. امروز قدرت دارید برای اینکه حفظ کنید حیثیت اسلام را و حفظ کنید مصالح کشور را و حفظ کنید استقلال خودتان را و حفظ کنید آزادی خودتان را...» رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) فرمود: «همه ی کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و به استقلال کشور معتقدند، به آینده ی کشور اهمیت می دهند و دلشان برای منافع ملی می سوزد، باید در انتخابات شرکت کنند.»

بی تردید یکی از ابزار مهم ایجاد همبستگی و انسجام ملی، انتخابات حداکثری است. انتخابات حداکثری است که زمینه ی وفاق و وحدت ملی را فراهم می نماید؛ چنانچه مردم با همبستگی انقلاب را به وجود آوردند. بر این اساس ایجاد و استمرار آن نیز، منوط به حضور حداکثری مردم در انتخابات است. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) فرمودند: انتخابات، یکی از میدان‌های مهم همبستگی است... مهم این است که مردم در این میدان گزینش، همبستگی خود را نشان دهند. ملت ایران این فرصت گزینش را تا قبل از انقلاب اسلامی در هیچ دوره ای نداشت. انقلاب اسلامی است که این فرصت را در اختیار ملت ایران گذاشته است.

انتخابات



حق خود استفاده کند: «هر کسی... حق اولی‌اش این است که خودش انتخاب بکند یک چیزی را که راجع به مقدرات مملکت خودش است.» از سوی دیگر، حضور حداکثری تکلیفی شرعی است: «نگویید که دیگران رأی می دهند. من هم باید رأی بدهم، تو هم باید رأی بدهی، آن روستایی هم که در کنار مزرعه خودش کار می کند باید رأی بدهد. تکلیف است. این یک تکلیف الهی است.» مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز، مشارکت سیاسی و حضور در انتخابات را هم حق می داند و هم تکلیف الهی: انتخابات یک حق است و یک وظیفه. ما هر کدام به عنوان یک فرد از افراد این ملت، هم حق داریم در

منابع:

۱. جمعی از نویسندگان: انقلاب چهل ساله: نگاهی به دستاوردهای جمهوری اسلامی؛ قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۹۹ش.
 ۲. خمینی، روح الله؛ صحیفه ی امام؛ تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش.
 ۳. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه؛ محقق / مصحح: صالح، صبحی؛ قم: هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
 ۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ محقق / مصحح: مؤسسه آل البیت (ع)، قم: مؤسسه آل البیت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
 ۵. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
 ۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم، ۱۳۷۱ش. سایت ها و نشریات مجله پرسمان، فروردین ۱۳۹۱، ش ۱۱۱.
- ۱- <https://farsi.khamenei.ir>
 ۲- www.shora-gc.ir/fa/news
 ۳- <http://pajuhesh.irc.ir/product/book/show.text/id-3>



ZOHA_magazine

نشریه دانشجویی سیاسی،

مذهبی و اجتماعی

ضحی

فرانخواران شرکت در نشریه شخصی



برای همکاری در شماره
های بعدی نشریه،
کد QR code را اسکن
کنید یا بر روی آن کلیک
نمایید.





FOLLOW US
@zoha_mag

